

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۷

سال سوم، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۹۳

تحلیلی بسترشناسانه درباره کتاب «الغیبة» شیخ طوسی

مجید احمدی کجایی*

چکیده

این پژوهش در پی ارائه نگرشی تحلیلی از کتاب ارزشمند *الغیبة* شیخ طوسی است. در این مسیر سعی شده پس از تحلیل زمان شناختی نگارش سلسله غیبت نگاری شیعه، به این کتاب توجهی ویژه شود و بسترشناسی آن مورد بازخوانش قرار خواهد گرفت. شیخ طوسی این اثر را در هشت فصل تدوین کرده است. وی در این مسیر با استفاده فراوان از دو عنصر عقل و نقل سعی داشته با هم آوازی میان این دو مهم به تحلیلی روان شناختی از پدیده غیبت توجه دهد. از جمله مهم ترین مواردی که وی از دیدگاه عقلی به پدیده غیبت توجه داشته، لزوم امامت با توجه به باورهای عقلی بوده است و توجه به زندگی وکلای اربعه امام دوازدهم علیه السلام از دیگر مباحث ارزنده کتاب یادشده به شمار می آید. در عین حال، کتاب *الغیبة* خود دارای کاستی هایی چندی است که مرسل بودن بسیاری از روایات را از آن جمله می توان شمرد.

واژگان کلیدی

شیخ طوسی، الغیبة، غیبت نگاری، بسترشناسی.

* عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (majid.ahmadi.313@gamil.com).

مقدمه

محمد بن حسن بن علی مشهور به شیخ طوسی، از بزرگان عالمان امامی در سده پنجم هجری بوده است. وی در سال ۳۸۵ قمری در شهر نوقان طوس متولد شد و پس از گذران تحصیلات مقدماتی در آن دیار به شهرهای نیشابور، ری، قم و سپس بغداد مهاجرت کرد. در سال ۴۰۸ در درس شیخ مفید حضور یافت و پس از رحلت استاد خویش، در درس سید مرتضی حاضر شد. تعداد اساتید روایی شیخ را - که نامشان در سند روایات یا در اجازات روایی وجود دارد - در حدود ۳۷ نفر ذکر کرده‌اند و معروف‌ترین آنان عبارت‌اند از شیخ مفید، سید مرتضی، ابن غضائری و علی بن احمد بن محمد بن ابی جیّد هستند. به طور معمول، بیشترین اساتید وی بغدادی بوده‌اند. با توجه به تصریح برخی از منابع، او برخی از شیوخ روایی خویش را از اهل سنت برگزید، به طوری که حتی از آنان اجازه نقل روایت داشت (مجلسی، ۱۳۷۶: ج ۱۰۴، ۱۳۶).

وی در پی درگذشت سید مرتضی، خود زعامت تشیع امامی را بر عهده گرفت. پس از انقراض حکومت شیعی آل بویه در سال ۴۴۷ قمری توسط سلجوقیان سنی و دشوار شدن حضورش در بغداد، مجبور به ترک آن شهر و عزیمت به نجف شد و در آن جا حوزه درسی تأسیس کرد که بعدها به حوزه علمیه نجف شهره گشت. او در همان شهر و در سال ۴۶۰ قمری از دنیا رفت (بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۵، ۴۰).

شیخ طوسی از جمله اندیشمندان شیعی بوده که بیشترین تألیف را در عرصه‌های گوناگون علوم در سده پنجم به خود اختصاص داده است. از جمله آثار وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: *التبیین فی تفسیر القرآن*، *مصباح المتعجد فی اعمال السنه* (دعا)، *تلخیص الشافی* (کلام)، *تهذیب الاحکام والاستبصار* (حدیث)، *النهاية والمبسوط والخلاف فی الاحکام* (فقه)، *الفهرست و رجال و اختیار معرفة الرجال* (رجال) (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۴۰-۲۴۲).

بسترشناسی غیبت نگاری

باید توجه داشت که نگاشته‌های دوره غیبت صغرا به طور عمده تحت تأثیر فضای تقیه شکل گرفت. بنابراین در این زمان امامی‌ها دست کم با دو مشکل اساسی در آستانه غیبت صغرا روبه‌رو شدند:

الف) با روی کار آمدن متوکل عباسی در سال ۲۳۲ قمری، اوضاع برای شیعیان بسیار سخت

شد؛ به طوری که وی از طرفی با حبس دو امام هادی و عسکری علیهما السلام روابط شیعیان با امام را کاهش داد و از طرف دیگر، به شدت با وکلای امام هادی برخورد می‌کرد. متوکل در اقدامی چند تن از وکلا را دستگیر کرد و در زندان خود به قتل رساند (همو، ۱۳۸۷: ۶۱۰).

عامل دیگری که حساسیت هیئت حاکمه علیه شیعیان را تحریک کرد، تشکیل حکومت زیدی علویان در سال ۲۵۰ قمری در طبرستان بود. این افراد دارای گرایش‌های شیعی (زیدی) آشکاری بودند و عملاً از سیطره حاکمیت عباسی خارج شدند و آن را به رسمیت نمی‌شناختند (طبری، ۱۳۵۸: ج ۳، ۱۸۵۷؛ همچنین نک: حسین، ۱۳۶۷: ۱۷۶).

همچنین قیام صاحب زنج در سال‌های ۲۵۵ - ۲۷۰ قمری از آن دسته شورش‌هایی به شمار می‌آید که عباسیان را تحت فشار قرار داد. این قیام، موقعیت امامیه را نیز در خطر انداخت؛ چرا که علی بن محمد - رهبر این شورش - مدعی بود نسبش به زید می‌رسید. به همین دلیل بخش قابل ملاحظه‌ای از علویان به او پیوستند. گرچه امام عسکری علیه السلام رهبر قیام زنج را از اهل بیت ندانست (اربلی، ۱۳۶۴: ج ۴، ۴۲۸)، اما این امکان وجود داشت که حکومت، این دسته از قیام‌ها را به باورهای امامیه گره بزند و چه بسا دامنه برخورد با این شورش‌ها را نیز به سوی امامی‌ها بکشاند. در این زمان به گفته شیخ طوسی، چنان فضای نامناسبی علیه شیعیان شکل گرفت که آنان نمی‌توانستند مناسک دینی خود را آشکارا تبلیغ کنند (طوسی، ۱۳۸۲: ج ۶، ۱۱۱ و ۱۱۲).

همچنین در همین زمان دست کم دو جریان اسماعیلی (قرامطه و اسماعیلیه) فعالیت‌های زیرزمینی خود را شدت بخشیدند. اگرچه این گروه‌ها امامی نبودند، اما از شیعیان به شمار می‌آمدند (نک: حسین، ۱۳۶۷).

این گروه‌ها درست همان زمانی که شیعیان امامی معتقد به غیبت امام خویش بودند و چنین می‌اندیشیدند که وی روزی ظهور خواهد کرد، روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر غیبت مهدی نقل می‌کردند، به طوری که با نقل این دسته از روایات و فعالیت‌های گسترده خود توانستند در شمال آفریقا حکومتی مستقل از عباسیان با مناسبات فکری کاملاً مخالف شکل دهند (نک: دفتری، ۱۳۷۵: ۱۶۹ - ۲۲۰).

این نکته را باید افزود که در این زمان قرامطه تحرکات خود را گسترش دادند، به طوری که نوبختی خبر از جمعیت انبوه آنان در اطراف کوفه می‌دهد (نوبختی، ۱۳۸۶: ۷۶). این گرایش منتسب به شیعه فعالیت‌های تبلیغی خود را در سواحل غربی خلیج فارس و یمن انجام

می‌دادند (اشعری، ۱۹۶۳: ۸۶) و توانستند قیام خویش را در روستاهای اطراف کوفه رقم زنند (طبری، ۱۳۵۸: ج ۳، ۲۱۲۴).

احتمالاً همگی این موارد با توجه به آن که امامیه نیز چنین روایاتی را نقل می‌کردند و با قرامطه و در یک ناحیه می‌زیستند و مراسم مذهبی یکسان داشتند، اسباب تحریک خلافت عباسی را علیه شیعیان امامی شدت می‌بخشید.

در این شرایط وکلا - به ویژه وکیل اول، عثمان بن سعید - کوشیدند به دنبال تقویت این نظریه باشند که از امام عسکری علیه السلام فرزند ی باقی نمانده است و خیال عباسیان را از بابت آن که ممکن است شیعیان با امام غایب خویش برایشان دردسر ساز باشند، آسوده سازند (کلینی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۶۹ - ۳۷۰، ح ۱).

تحلیل عده‌ای از محققان از برخی روایات آن است که به علت شکنجه‌های معتضد و مکتفی - خلفای عباسی - و سخت‌گیری‌های آنان بر امامیه بین سال‌های ۲۷۸ - ۲۹۵ قمری، امام علیه السلام مقر خود را از سامرا به حجاز تغییر داد (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۲۲، ح ۲۴).

همچنین اگر این گزارش را بپذیریم که معتضد، جایگاه امام عصر را کشف کرد و به سه نفر دستور داد به خانه پدر امام یورش برند و هر کس را یافتند به قتل رسانند (همو: ح ۲۱۸؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۶۷؛ حسین، ۱۳۶۷: ۱۸۱)، این خبر و موارد مشابه آن نشان از شدت حکومت و پی‌گیری جدی عباسیان برای دستیابی به امام بوده است و تا به آن جا پیش رفته بودند که مکان و زمان حضور حضرت را نیز کشف کردند. در این شرایط، باید عالمان امامی در پوششی به نام تقیه ادامه مسیر می‌دادند.

ب) مشکل دیگری که در آن زمان بر شدت بحران در امامیه افزود، فقدان امام حاضر بود. احتمالاً غیبت امام، محصول همان فضای خفقان‌آوری بود که بیان شد. در این زمان شیعیان با پدیده‌ای روبه‌رو شدند که پیش از آن تجربه نشده بود. همین امر نیز سبب چنددستگی در میان شیعیان امامی شد، به طوری که عده‌ای حتی از پذیرش امام دوازدهم سر باز زدند. نوبختی گروه‌های منشعب در شیعیان امامی در آغاز غیبت صغرا را ۱۴ فرقه مختلف می‌داند (نوبختی، ۱۳۸۶: ۸۴). این در حالی بود که امام عسکری علیه السلام فرزند خویش را به دلیل شرایط سیاسی پدید آمده، تنها به افرادی انگشت‌شمار نشان داد (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۱۷) و همین امر نیز بر این دسته از گمانه‌زنی‌ها افزود. آن‌چه بر شدت بحران در عصر غیبت صغرا دامن زد، وجود وکیلان منحرف امام دوازدهم علیه السلام بود. این افراد با نفوذ در برخی از قبایل شیعی، سبب

انحراف فکری آنان را فراهم آوردند. در شدیدترین این موارد، شلمغانی توانسته بود قبيله بنی بسطام را جذب آرای نکوهش آمیز خویش کند (همو: ۶۹۹).

علما شرایط پدید آمده را به عصر حیرت و سرگشتگی شیعیان تعبیر می کردند، به طوری که نعمانی معتقد است بیشتر شیعیان امامی درباره امام دوازدهم علیه السلام و غیبت ایشان در تردید بوده اند (نعمانی، ۱۳۹۰: ۸). شیخ صدوق نیز انگیزه تألیف کتاب خویش را تردید شیعیان نسبت به امام خویش می داند (صدوق، ۱۳۸۷: ۴).

شاید به همین دلیل است که عالمان امامی در صدد بودند با استفاده از راهکار تقیه به امور شیعیان بپردازند و این مهم در زندگی وکیلان اصلی امام دوازدهم علیه السلام به طور عیان مشخص بود؛ از جمله آن که شغل سفرا، خود پوششی برای پیش برد اهداف سازمان وکالت بود، چنان که نقل شده که وکیل اول و دوم هر دو پیشه روغن فروشی داشتند (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۱۵) و نامه ها را در ظروف و خیک های روغن کرده و به امام می رساندند (همو: ۶۱۵). شاید به همین دلیل بوده که عمدتاً سفرا در مباحث عالمانه شیعیان به طور جدی مشارکت نداشتند، چه بسا در آن صورت شهره شدن آنان در این گونه مباحث نظرها را به سویشان جلب می کرد؛ امری که سفرا از آن احتراز داشتند.

استفاده از نام مستعار توسط سفرا - از جمله سفیر دوم محمد بن عثمان^۱ - خود دلالت بر تقیه بوده است؛ به طوری که کشی چنین نقل می کند:

حفص بن عمرو کان وکیل ابی محمد و اما ابو جعفر محمد بن حفص بن عمرو فهو ابن العمرو و کان وکیل الناحیه و کان الامر یدور علیه. (کشی، ۱۳۴۸: ۵۳۳، ح ۱۰۱۵)

کشی وی را وکیل امام عسکری علیه السلام دانسته و در ادامه افزوده که محمد بن حفص بن عمر معروف به ابن عمری، وکیل ناحیه بوده است. در صورتی که وکیل دوم به محمد بن عثمان شهره بوده است.

بی گمان تلاش های حسین بن روح در پنهان کاری باورهای اولیه تشیع، راهی برای حفظ جریان وکالت با عنصر تقیه بوده است؛ به طوری که شیخ طوسی با نقل سه روایت، شدت عمل وی به تقیه را تبیین کرده است (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۶۸-۶۷۱). در هر صورت، چنین فضایی می توانسته بر همه عملکرد امامیه - از جمله منابع علمی آنان - اثرگذار باشد (نک:

۱. نام مستعار وی محمد بن حفص بن عمر بود.

صفری فروشانی و احمدی کجایی: (۱۳۹۱).

پیشینه غیبت پژوهی در امامیه

غیبت صغرا را می‌توان با انگاره‌های ناهمگون خویش، یکی از دشوارترین ادوار تاریخ شیعیان امامی به شمار آورد؛ عصری که به هر دلیل، پدیده غیبت برای امام آنان حاصل شد و عملاً پیروان آن مذهب بی‌سرپرست ماندند.

این شرایط سبب شد بسیاری از آن‌ها دچار تحیر و سرگشتگی شوند و گروه‌هایی نیز با نپذیرفتن امام غایب، راه خویش را جدا از دیگر هم‌کیشان خود پی گیرند؛ گرچه حوادث بعدی غیبت صغرا نشان داد عمده این گروه‌ها پس از مدتی به امامی‌ها بازگشتند.

اما این همه ماجرا نبود. پیروان دیگر فرقه‌های شیعه - به‌ویژه زیدیه - با طرح پرسش‌های تردیدبرانگیز علیه دیدگاه امامیه، موجب پدید آمدن مشکلات فکری برای صالحان برجسته این مذهب می‌شدند و چه بسا مجموعه این چالش‌ها سبب شد غیبت صغرا به عنوان یکی از مراحل دشوار در تاریخ امامیه مطرح شود، به طوری که بسیاری از عالمان امامی از آن به عصر تحیر و سرگردانی یاد کرده‌اند (نک: نعمانی، ۱۳۹۰: مقدمه) و همین انگاره‌های ناهمگون در آن دوره باعث شد اندیشمندان امامی نیز درصدد رفع چنین مشکلاتی برآیند.

به هر تقدیر، غیبت‌نگاری امامیه در ابتدا به صورت نقل‌های محدود و غالباً به عنوان بخشی از مجامع روایی مطرح شده است؛ اما با ورود بحث‌های گوناگون و پرسش‌های جدید، این حجم رو به افزایش نهاد و افزون بر گزاره‌های نقلی، باورهای عقلی نیز بدان افزوده شد. بازخوانش این دسته از غیبت‌نگاری‌ها از عصر نوبختی تا شیخ طوسی ما را به این باور می‌رساند که چگونه با ضرورت‌های زمانه چنین تحولی در این دسته از غیبت‌نگاری‌ها صورت پذیرفت و چه مباحثی بر حجم این دسته از مطالعات افزوده شد.

در این بخش باید به آثاری که در غیبت‌نگاری توسط شیعیان نگاشته شده و امروزه از میان رفته اشاره کنیم، سپس به بررسی منابع موجود در این زمینه توجه نماییم. برخی از این آثار با نقل احادیثی از پیامبر ﷺ و امامان شیعی علیهم‌السلام به غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام توجه داشته‌اند. در عین حال، این روایات، زمان شروع غیبت را مشخص نمی‌کنند. ابهام موجود در احادیث مذکور، سبب شده دسته‌ای از شیعیان این‌گونه روایات را درباره امامان مختلف بکار برند. از این رو، فرقه واقفه، امام موسی کاظم علیه‌السلام را امام غایب دانسته‌اند، در حالی که امامیه، امام

دوازدهم علیه السلام را امام غایب می دانند. فرقه واقفیه با افرادی همچون انماطی (ابراهیم بن صالح کوفی)، به این گمانه ها دامن می زد. انماطی در این باره کتابی به عنوان *الغیبه* نگاشت که باورهای واقفیه را تقویت می کرد (طوسی: ۱۴۲۰: ۹ - ۱۰). در عین حال، سایر علما مانند احمد بن علی بن نوح و شیخ طوسی، اطلاعات او را در حمایت از دیدگاه امامیه به کار برده اند. یکی دیگر از افراد این فرقه، طائی طاطاری (علی بن حسن) بود که در ضمن کتابی به نام *الغیبه*، امام موسی کاظم علیه السلام را امام غایب نامید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۴ - ۲۵۵).

از زبیده نیز عده ای در این باره دست به تألیف بردند که می توان به این افراد اشاره کرد: ابوسعید عباد بن یعقوب رواجینی عصفری که فرقه زبیده جارودیه را رهبری می کرد. وی کتابی از احادیث را گردآوری کرد و آن را کتاب ابوسعید عصفری نامید. اهمیت کتاب وی به این نکته است که نویسنده، احادیثی درباره غیبت را دست کم ده سال پیش از رویداد آن ذکر می کند. وی به روایات دیگری نیز اشاره دارد که بر تعداد امامان و ختم آنان به امام دوازدهم علیه السلام توجه داده است و او را قائم علیه السلام می داند، اما اسامی امامان دوازده گانه را ذکر نمی کند (همو: ۲۹۳). همچنین آثاری از امامیه نیز درباره غیبت تألیف شد که امروزه از بین رفته است. در بین این آثار می توان به این موارد اشاره کرد:

علی بن مهزیار اهوازی دستیار نزدیک امام نهم بود. امام جواد علیه السلام او را به عنوان نماینده خود در اهواز منصوب کرد و در دوران امامت امام هادی علیه السلام همچنان این وظیفه را بر عهده داشت. وی دو کتاب با عناوین *الملاحم والقائم* نوشت (همو: ۲۵۳) که هر دو غیبت امام و قیام او را با شمشیر مورد بحث قرار می دهند. از این رو، بین سال های ۲۶۰ و ۳۲۹ قمری دو پسرش ابراهیم و محمد نمایندگان مسئول امام دوازدهم در اهواز شدند (امین، ۱۴۰۳: ج ۲، ۲۳۱). کلینی و صدوق به استناد نوشته آن ها، اطلاعات مهمی درباره روش های ارتباطی مورد استفاده در فعالیت های مخفی امامیه ارائه می دهند.

حسن بن محبوب سراد در اثر خود درباره موضوع غیبت با عنوان *المشیخه*، چندین حکایت را - که اغلب به امامان منسوب است - ثبت می کند. اگرچه این اثر از بین رفته، اما نقل قول هایی از آن در مآخذ موجود امامیه در دست است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۲).

فضل بن شاذان نیشابوری - از علمای معروف امامیه - کتابی با نام *الغیبه* گردآوری کرد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۰۷). فضل دو ماه پیش از رحلت امام عسکری علیه السلام، در سال ۲۶۰ قمری درگذشته است. اهمیت اثر او در احادیثی که نقل کرده و امام دوازدهم علیه السلام را قائم می داند،

نهفته شده است. بسیاری از نویسندگان بعدی همچون طوسی در اثر خود با نام *الغیبه* به اثر فضل تکیه کرده‌اند.

در این باره در دوره غیبت صغرا نیز آثاری نگاشته شد که امروزه از میان رفته است؛ از جمله در سال ۲۶۲ قمری، ابراهیم بن اسحاق نهبوندی مدعی نیابت امام دوازدهم علیه السلام در بغداد شد. وی کتابی درباره غیبت نوشت که دیدگاه غالیان را منعکس می‌کرد (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۶).

همچنین از آثار از میان رفته در دوره غیبت کبرا می‌توان به این موارد اشاره کرد: در سال ۴۲۷ قمری، کراچکی اثری با نام *البرهان علی صحة طول عمر الامام صاحب الزمان* گرد آورد و در آن، اسامی بسیاری از افراد را ذکر کرد که عمرشان بیشتر از طول عمر افراد عادی محسوب می‌شد. هدف وی، همچون شیخ صدوق و شیخ مفید، این بود که ثابت کند طول عمر امام دوازدهم علیه السلام در دوران غیبت، پدیده‌ای غیرمعمول نیست (تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۹۲). شیخ طوسی درباره فعالیت‌های مخفی چهار نماینده امام دوازدهم علیه السلام با نقل از کتاب مفقود شده‌ای با نام *اخبار الوکلاء الاربعه* نوشته احمد بن نوح بصری - که امروزه از میان رفته است - اطلاعات تاریخی موثقی ارائه می‌دهد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۸۶-۸۷). اثر شیخ طوسی مأخذ اصلی نویسندگان بعدی امامیه درباره غیبت امام دوازدهم علیه السلام به ویژه علامه مجلسی در *بحار الانوار* شد (نک: حسین، ۱۳۶۷: ۲۰ - ۳۰).

بسترشناسی کتاب *الغیبه*

اثر مورد بحث، از سلسله آثاری به شمار می‌آید که درباره پدیده غیبت نگارش شده است. همان‌طور که گفته شد، این امر معلول فضای پدید آمده در آن دوره تاریخی است، به طوری که با آن که نگارش کتاب *الغیبه* مدت‌ها پس از آغاز غیبت کبرا انجام شده، اما احتمالاً متأثر از فضای پدید آمده دوره قبل بوده است؛ چنان‌که می‌توان احتمال داد همچنان شباهت تردیدبرانگیزی علیه امام دوازدهم علیه السلام در جریان بوده است، همان‌گونه که خود شیخ در انگیزه تألیف *الغیبه* بدان اشاره دارد (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸).

نگاه اجمالی به کتاب *الغیبه* خود گویای این مطلب است. طولانی شدن پدیده غیبت امام، پرسش‌های بسیاری علیه شیعیان امامی برانگیخت و شباهت گروه‌های رقیب را به دنبال داشت و چه بسا بسیاری از این پرسش‌ها از سوی شیعیان امامی طرح می‌شده است. شاید یکی از اصلی‌ترین این پرسش‌ها، عمر طولانی امام بوده است. همچنین مشخص نبودن

ظهور، بخش دیگر این دسته از پرسش‌ها را دربر می‌گیرد. شیخ با فهم مشکلات موجود، به تدوین این کتاب همت گماشت و در این مسیر سعی داشت دو عنصر عقل و نقل را با یکدیگر هم‌آواز کند.

مصادر کتاب الغیبة

مصادر کتاب شیخ طوسی به دو بخش مفقود و موجود تقسیم می‌شود. از منابع موجودی که شیخ در کتاب خویش از آن بهره برده است، می‌توان به این مصادر اشاره کرد: در مصادر نقلی، کتاب *سلیم بن قیس* یکی از کهن‌ترین منابعی که شیخ طوسی از آن بهره برده به شمار می‌رود. شیخ در برخی از مباحث از جمله در روایات اثناعشر، از وی نقل روایت کرده است. ویژگی اساسی این دسته از روایات، آن بوده که به تمامی نام‌های امامان اثناعشر توجه شده است. برای مثال سلیم می‌گوید: «از سلمان و مقداد شنیده‌ام...» (هلالی، ۱۴۰۰: ۲۸۵)، شیخ نیز روایت مورد نظر را با همان سند از سلیم نقل کرده است (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۸۶).

اگرچه وی این‌گونه از روایات را انحصاراً از سلیم اقتباس نکرده و تنها پشتوانه وی، آن کتاب نبوده است، مهم‌ترین راویان شیخ در پردازش این دسته از روایات - که به جابر بن عبدالله انصاری برمی‌گردد - محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۰، ح ۱۰۷ و ۱۰۸) و کلینی (۱۳۷۶: ۲۸۸، ح ۱۰۴ و ۱۱۲ و ص ۳۰۷، ح ۳۰۳ و ۱۱۴) هستند.

مصدر دوم روایی که شیخ طوسی در الغیبة از آن سود جسته، بخش «کتاب الحجة» از کتاب *کافی* کلینی است. شیخ در اثبات تولد امام مهدی علیه السلام و دیدار شیعیان با آن حضرت از *کافی* اقتباس داشته است. به عنوان مثال، می‌توان به روایات ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۹ و ۲۱۷ در صفحه ۴۱۱ رجوع کرد.

مصدر سوم روایی که شیخ از آن تأثیر پذیرفته، *الغیبة* نعمانی است. در این اثر نیز عمده توجه شیخ به بحث روایات اثناعشر است. برای مثال می‌توان به روایات ۲۳، ۲۴، ۲۶ و ۲۹ در صفحه ۷۵ اشاره کرد.

مصدر چهارم نقلی که شیخ بسیار از آن استفاده کرده، *کمال الدین* شیخ صدوق بوده است. آن چه به نظر می‌رسد، این است که گویا چینش اساسی کتاب *الغیبة* تا اندازه‌ای بر اساس این اثر صورت گرفته است. برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: امامت و عصمت امام (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۷ و ۷۰؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۱، ۹ و ۲۰)، اثبات غیبت (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۰؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۱)، رد برفرقه‌های کیسانیه، واقفیه و ناووسیه (طوسی، ۱۳۸۷: ۷۴؛

صدوق، ۱۳۸۸: ج ۱، ۶۱)، فلسفه و حکمت غیبت (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۲؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۸۶)، غیبت برخی از انبیا (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۴۸؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۵۴)، در بحث کسانی که حضرت را ملاقات کرده‌اند (نک: طوسی، ۱۳۸۷: ۴۹۹؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۱۶۷)، توقیعات امام مهدی علیه السلام (طوسی ۱۳۸۷: ۶۴۷؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۳۴)، معمربین (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۵؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۳۰۷) و نشانه‌های ظهور (طوسی، ۱۳۸۷: ۷۴۵؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۵۵۳).

همچنین شیخ طوسی در نقل اخبار و کیلان اصلی از *کمال‌الدین* متأثر بوده است. اگرچه شیخ صدوق این بخش را در ضمن ملاقات کنندگان با امام علیه السلام نقل کرده (صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۲۴۰ به بعد)، اما شیخ طوسی فصلی مستقل به این بحث اختصاص است (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۹۹). این احتمال را نیز باید در نظر گرفت که شیخ طوسی در این بحث از *اخبار و کلامی اربعه* جوهری نیز اقتباس داشته است.

در اثرپذیری طوسی از *کمال‌الدین* ذکر دو نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱. شیخ طوسی از برخی مباحث اضافی صرف نظر کرده است. برای مثال، از ذکر داستان بوادسف و بلوهر یا از مباحث عقلی ابن قبه - که شیخ صدوق به تمامی آن را در کتاب خود نقل کرده - پرهیز کرده است و حتی در مباحثی که از *کمال‌الدین* متأثر بوده، به گمانه‌های کلامی خود می‌پردازد و از نقل صرف مباحث شیخ صدوق اجتناب می‌کند.

۲. در بحث معمربین به شیوه خویش عمل کرده، به طوری که صدوق از هفت مورد در این باره نقل کرده است. اما در عین حال، طوسی از حدود ۲۰ مورد نام می‌برد که تنها در دو مورد - یعنی دجال و ربیع بن ضبع - از شیخ صدوق اقتباس کرده است (نک: طوسی، ۱۳۸۷: ۲۵۵ و ۲۵۷؛ صدوق، ۱۳۸۸: ج ۲، ۳۱۱ و ۳۵۴). البته صدوق در این مورد «ربیع فزاری» آورده که همان «ربیع بن ضبع» است.

در این میان شیخ طوسی در آرای کلامی خویش تا اندازه‌ی زیادی خود به طرح برخی از مباحث پرداخته و سعی داشته خود گمانه‌های کلامی خویش را به نقل‌های روایی بیفزاید و از نظریات سید مرتضی در *شافی* متأثر سود برده (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۲۰ و ۲۳۷) و *تلخیص شافی* را نگاشته و خود به آن تصریح دارد (در بحث علت غیبت حضرت از شیعیان نک: همو: ۲۲۱ و درباره‌ی مخفی بودن ولادت حضرت نک: همو: ۲۳۹).

همچنین شیخ از منابعی دیگری سود جسته که امروزه در دست نیست و از میان رفته است

که می‌توان به این موارد اشاره کرد: الضیاء فی الرد علی‌المحمدیه و الجعفریه سعد بن عبدالله اشعری (نک: همو: ۳۶۴ و ۳۹۷)، کتاب الرجعة و کتاب القائم فضل بن شاذان نیشابوری و اخبار الکلاء اربعة سیرافی (نک: همو: ۵۹۹).

بررسی محتوایی الغیبة

بررسی محتوای کتاب الغیبة را به دو صورت اجمالی و تفصیلی می‌توان بررسی کرد:

۱. محتوایشناسی اجمالی

شیخ طوسی در مقدمه کتاب خویش دو وجه اساسی را در تدوین کتاب مؤثر می‌داند: الف) توصیه استادش که وی را به پردازش چنین اثری ترغیب کرده است؛ زیرا به‌رغم شدت نیاز بشر به ظهور امام مهدی علیه السلام و فراگیر شدن حيله و نیرنگ و مشکلات دیگر، همچنان ظهور حضرت محقق نشده است. ب) پرسش‌های مطروحه در این باره که بخشی از آن ناشی از شبهات نکوهش‌آمیز طعنه‌زنان است (همو: ۲۸).

سپس وی الغیبة را در هشت فصل سامان می‌دهد. ابتدا به بحث غیبت امام دوازدهم علیه السلام و عصمت امام و همچنین به رد باورهای کسانی که به غیر از امام دوازدهم علیه السلام توجه داشته‌اند پرداخته است (همو: ۳۳). سپس نقل‌های گوناگون درباره ولادت امام علیه السلام را بررسی می‌کند (همو: ۴۱). در بخش دیگر به کسانی توجه داشته است که توانسته‌اند با حضرت دیداری داشته باشند (همو: ۴۴۹). وی به فراوانی معجزات حضرت را در دوره غیبت ذکر می‌کند (همو: ۴۹۹). شیخ طوسی به موانع ظهور توجه ویژه داشته و علت اصلی آن را امتحان و آمادگی شیعه می‌داند (همو: ۵۷۷). از جمله مباحث مهم کتاب وی، بررسی وکیلان و سفرای امام دوازدهم علیه السلام است و البته در این میان، از وکیلان نکوهش شده چشم‌پوشی نکرده (همو: ۵۹۹) و در بخش پایانی، به ذکر برخی صفات امام و سیره اخلاقی ایشان توجه داشته است (همو: ۷۸۳).

۲. محتوایشناسی تفصیلی

شیخ طوسی در فصل اول، با طرح گمانه‌های کلامی به بررسی موضوع غیبت می‌پردازد و در این بخش، دو پیش‌فرض آورده است: الف) واجب بودن وجود امام معصوم در هر زمان برای هدایت توده مردم (همو: ۳۳).

ب) وجوب امامت امام دوازدهم علیه السلام (همو: ۳۴).

سپس به اثبات این دو گمانه توجه می‌کند و در این مسیر مباحثی همچون وجوب امامت در جامعه و عصمت او و همچنین عدم خروج این حق از امت اسلامی را آورده است که البته چنین انگاره‌هایی در جواب شبهات که در این باره مطرح بوده وارد شده است. نکته مهم آن است که وی بسیاری از دیدگاه‌های کلامی خویش را در کتاب دیگرش با عنوان *تلخیص شافی* آورده است (همو: ۳۴ - ۷۴). در ادامه به نقد فرقه‌های از شیعه توجه دارد که امام شیعیان را غیر از امام عصر علیه السلام می‌دانند و آن‌گاه گروه‌هایی همچون کیسانیه (همو: ۷۴)، ناووسیه (همو: ۸۲) و واقفیه (همو: ۸۳) را با بیش از هشتاد روایت تاریخی، کلامی و گزارش به چالش می‌کشاند.

وی سپس به فلسفه غیبت اشاره دارد (همو: ۱۹۲) و دلایل گوناگونی را در این باره طرح می‌کند و در پردازش آن تأکید دارد که از دو عنصر عقل و نقل سود خواهد برد (همو: ۲۱۶). وی با طرح ۱۵ اشکال درباره غیبت امام مهدی علیه السلام به بررسی و رد چنین انگاره‌هایی می‌پردازد (همو: ۲۲۰). شیخ طوسی بر این باور است که غیبت، امری با پیشینه تاریخی در انبیا علیهم السلام است و در این باره از پنج پیامبر (خضر، موسی، یوسف، یونس و عزیر علیهم السلام) نام می‌برد که مجبور به غیبت شدند (همو: ۲۴۸). همچنین شیخ طوسی برای عادی نشان دادن عمر امام، به کهنسالانی از عرب اشاره دارد و به ۲۲ مورد از این گونه افراد اشاره می‌کند (همو: ۲۵۳).

بخش دیگر این فصل به روایاتی از اهل سنت (۱۰ روایت) و شیعیان (۱۴ روایت) درباره آن که خلفای پیامبر ۱۲ نفرند، پرداخته شده است (همو: ۲۷۹ - ۲۸۶).

در ادامه، ۱۵ روایت از ائمه علیهم السلام نقل می‌کند که شیعیان را به غیبت امام عصر علیه السلام توجه داده‌اند. سپس ۱۴ روایت درباره خروج امام از غیبت و همچنین ۱۱ روایت که نسب امام را به امام علی و امام حسین علیهم السلام متصل می‌کند وارد شده است (همو: ۳۱۵).

وی در نقد فرقه‌هایی همچون سبائیه (چهار روایت)، کیسانیه (دو روایت)، ناووسیه (دو روایت) و واقفیه که باور به مهدی دیگری به جز فرزند امام عسکری علیه السلام دارند به طور مفصل پرداخته و دیدگاه این دسته از فرقه‌ها را بر اساس آن که عدد امامان آنان با روایات اثناعشر تجانس ندارد، مردود می‌داند (همو: ۳۵۳ - ۴۰۸).

وی در ادامه به نقد فرقه‌های دوره امامت امام عسکری علیه السلام و پس از رحلت ایشان پرداخته و گروه‌هایی همچون محمدیه (همو: ۳۶۲)، مهدویت امام عسکری علیه السلام (همو: ۳۹۱) جعفریه

(همو: ۳۹۷) و سیزده امامیه را در غالب دوازده روایت به نقد کشیده است. او در باب معجزات کتاب خویش، به داستان ازدواج امام عسکری علیه السلام با نرجس علیها السلام به تفصیل پرداخته است (همو: ۳۷۴، ح ۱۷۸).

در فصل دوم به بررسی روایات تاریخی درباره ولادت امام دوازدهم علیه السلام اشاره داشته (همو: ۴۱۱) و در این مسیر، همان طور خود تصریح دارد از دو روش اعتباری (عقلی) و اخباری (نقلی) استفاده کرده است (همو) و ۲۸ روایت و گزارش را در این فصل ذکر می کند. وی اخبار کسانی که به گونه های مختلف شاهد بر تولد امام عصر علیه السلام بوده اند یا آن که از این امر به نحوی آگاهی داشته اند ذکر کرده است؛ از جمله در روایت ۲۰۴ (همو: ۴۱۸) به داستان معروف حکیمه - دختر امام جواد علیه السلام - اشاره داشته است. همچنین شیخ طوسی در روایت ۲۱۸ (همو: ۴۴۲) به داستان عجیبی توجه داده که معتضد، گروهی را برای قتل امام عصر علیه السلام مأمور کرده بود. نکته اصلی این روایت، آن است که خلیفه عباسی توانسته بود مکان حضور امام را تشخیص دهد و این واقعه مدت ها پس از آغاز غیبت صغرا رخ داده است و این نشان از پی گیری جدی عباسیان بر دست یابی به امام دوازدهم علیه السلام دارد.

در فصل سوم، اخبار افرادی ذکر شده است که امام دوازدهم علیه السلام را زیارت کرده اند (همو: ۴۴۹) و در این باره ۱۶ روایت وارد شده است. از این دسته از روایات، دست کم دو نکته برداشت می شود:

۱. به رغم آن که شیخ طوسی در دوره غیبت کبرا می زیسته، اما هیچ دیداری از آن دوره تاریخی ذکر نمی کند و همگی این دیدارها در دوره غیبت صغرا واقع شده اند.

۲. از ۱۶ روایت نقل شده در این فصل، شش روایت گواه آن است که این دیدارها در مکه صورت پذیرفته و این احتمالاً خبر از سکونت امام در مکه است.

در فصل چهارم (همو: ۴۹۹) به معجزات امام عصر علیه السلام توجه داده و در این زمینه ۳۴ روایت نقل کرده است که به طور اجمال دست کم بیش از چهل درصد این روایات درباره دعای امام برای دیگران (مشکلات زوجین، بچه دار شدن، امور روزمره، نام گذاری فرزند البته پیش از تولد، و ...) بیست درصد درباره وکلا ده درصد درباره جانشینی خود امام (اثبات امامت)، پنج درصد درباره مسائل علمی و دیگر روایات، در زمینه های گوناگونی دیگری طرح شده است.

در فصل پنجم (همو: ۵۷۷) به عواملی که سبب عدم ظهورند اشاره شده و بیست روایت در این باره نقل کرده است. شیخ طوسی با تکیه بر گمانه های کلامی چنین می اندیشد که علت

اصلی ظهور نکردن امام دوازدهم علیه السلام خوف جانی حضرت بوده است و مخفی بودن ایشان را منحصر در این باره می‌داند (همو: ۵۷۷). وی در این زمینه روایات ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۸ و

۲۷۹ - که حدود بیست درصد از مجموع روایات نقل شده در این فصل بوده است - را نقل می‌کند. وی دلیل دیگر را امتحان شیعه در دوره غیبت امام عصر علیه السلام می‌داند و از روایات ۲۸۱ تا ۲۸۹ را به این امر اختصاص داده است که حدود پنجاه درصد روایات وی را در این فصل دربر می‌گیرد.

او در فصل ششم (همو: ۵۹۹) به بررسی سفرای امام دوازدهم علیه السلام پرداخته است. وی در ابتدا اخبار مباشران دوره ائمه علیهم السلام را ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: حمران بن اعین (امام باقر علیه السلام)، مفضل بن عمر (امام صادق و امام کاظم علیهم السلام)، معلی بن خنیس و نصر بن قابوس لخمی (امام صادق علیه السلام)، عبدالله بن جندب بجلی (امام کاظم و امام رضا علیهم السلام)، محمد بن سنان (امام رضا و امام جواد علیهم السلام)، عبدالعزیز بن المهتدی القمی الاشعری و علی بن مهزیار اهوازی (امام جواد علیه السلام)، ایوب بن نوح بن دراج (امام هادی علیه السلام)، علی بن جعفر همانی (امام هادی و امام عسکری علیهم السلام)، ابوعلی بن راشد (امام هادی علیه السلام) (همو: ۶۰۱ - ۶۰۹).

وی همچنین به برخی از سفیران نکوهش شده نیز اشاره دارد که عبارت‌اند از: صالح بن محمد بن سهل همدانی (امام جواد علیه السلام)، علی بن ابی حمزه بطائنی و زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی رواسی (امام کاظم علیه السلام)، فارس بن حاتم ماهویه قزوینی (امام هادی علیه السلام)، احمد بن هلال عبرتائی (امام مهدی علیه السلام) (همو: ۶۱۰ - ۶۱۳).

شیخ طوسی سپس به زندگی سفرای اربعه دوره غیبت صغرا اشاره دارد و به تفصیل در این باره پرداخته است. وی هفت روایت درباره عثمان بن سعید، ۱۴ روایت درباره محمد بن عثمان، ۲۶ روایت درباره حسین بن روح نوبختی و شش روایت نیز درباره زندگی علی بن محمد سمیری آورده است (همو: ۶۱۴ - ۶۸۱). آن‌گاه به وکلای نکوهش شده این دوره اشاره دارد و به این موارد ابومحمد شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال کرخی، ابوطاهر محمد بن علی بن بلال، حسین بن منصور حلاج، ابن ابی عزافر و ابوبکر بغدادی پرداخته است (همو: ۶۸۷ - ۷۱۶).

در فصل هفتم (همو: ۷۲۵) به عمر امام دوازدهم علیه السلام توجه شده و چنین آمده که تولد آن حضرت در سال ۲۵۶ قمری رخ داده است. شیخ طوسی با نقل هفت روایت بر آن است

که سیمای حضرت را در هنگامه ظهور در هیئت مردی جوان معرفی کند. پس از آن چهار روایت نقل می‌شود که از وفات یا شهادت امام خبر می‌دهد؛ البته با این قید که دوباره زنده خواهد شد.

وی در ادامه با نقد این دسته از روایات، این گونه از اخبار را از آن جا که خبر واحد هستند نمی‌پذیرد (همو: ۷۳۲). سپس شش روایات درباره وقت ظهور آمده است (همو: ۷۳۴). باید به این نکته توجه شود که این دسته از اخبار، به طور عمده بر تحقق حتمی ظهور دلالت دارند و زمان دقیق ظهور واگویی نمی‌شود.

گونه‌ای دیگر از اخبار (سه روایت) نقل شده است که گویا بر سال ظهور تأکید دارند؛ اما با نگاهی دقیق به این دسته از اخبار، این مهم فهمیده می‌شود که آن‌ها نیز به درستی زمان ظهور را مشخص نمی‌کنند، بلکه خود درصدد بیان امری دیگرند و چنین تحلیل می‌کنند که تغییر در احوال اخلاقی مردم، سبب تغییر در زمان ظهور خواهد شد. برای مثال، در روایت ۴۱۷ از قول امام باقر علیه السلام چنین آمده که امام علی علیه السلام فرمود: «تا هفتاد سال به بلا مبتلا می‌شوید و پس از بلا، رخا و آسایش است.» گویا راوی از امام این پرسش را دارد: «آن مقدار که گذشته؛ پس چرا آسایش مورد نظر امام علی علیه السلام محقق نشده است؟» امام باقر علیه السلام در ادامه روایت می‌فرماید:

ای ثابت (ابوحمره ثمالی)، خداوند متعال مدت این امر را هفتاد سال قرار داد، ولی زمانی که حسین علیه السلام کشته شد غضب خداوند بر اهل زمین شدت گرفت و آن امر را صد و چهل سال به تأخیر انداخت و ما این مطلب را به شما گفتیم و شما آن را فاش کردید و خداوند متعال آن را باز هم به تأخیر انداخت و بعد از آن دیگر وقتی برای آن قرار نداد. (همو: ۷۳۸)

به نظر می‌رسد روایت بالا و روایات مشابه آن درصدد بیان این مطلب‌اند که به مؤمنان بفهماند تغییر در احوال شما سبب تغییر در امر ظهور خواهد شد.

نگارنده کتاب، پس از آن در ضمن ۵۹ روایت، به نشانه‌های پیش از قیام و ظهور توجه کرده است که به طور مشخص بیشترین این دسته از روایات درباره دو امر سفیانی (نُه روایت) و نداکننده آسمانی (نُه روایت) هستند. این نکته قابل طرح است که در روایت ۴۳۱ (همو: ۷۵۰) روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است که امام تصریح دارد فرزند سوم ایشان ظهور خواهد کرد که در این صورت، مراد امام عسکری علیه السلام می‌تواند باشد.

در فصل هشتم به سیره و صفات امام دوازدهم علیه السلام در غالب ۲۳ روایت توجه شده است (همو: ۷۸۳). البته بسیاری از این روایات بر طول حکومت آن حضرت اشاره دارند.

بررسی توصیفی و تحلیلی

کتاب *الغیبه* با چاپ جدید از انتشارات مسجد جمکران با بیش از پانصد روایت و گزارش در زمینه‌های گوناگون درباره امام مهدی علیه السلام نقل شده است که این شماره طبق محاسبه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۴۶۴ حدیث کامل مستقل است که درون خود، ۲۵ حدیث کامل ضمنی و ۲۱۵ حدیث جزئی و غیرکامل دارد. دلیل این اختلاف، تفاوت تعداد روایت‌ها نیست، بلکه اختلاف در مبنای شماره‌گذاری آن‌هاست (نک: رستمی، ۱۳۹۲: ۸۹) و ۸۷ روایت آن از غیر ائمه علیهم السلام نقل شده است.

وی در این اثر سعی داشته با روش‌های گوناگون، پدیده غیبت را بررسی کند و در این مسیر، دست به ابتکاری جدید زده و دست کم از دو روش (اعتباری و اخباری) و استفاده کرده است. وی بر آن است که به‌ویژه با تکیه بر کلام - که گویا متأثر از کلام مکتب بغداد و استادش شیخ مفید خصوصاً در *اثر الفصول العشره* بوده - گمانه‌های امامت را در ابتدا با انگاره‌های کلامی ثابت کند، سپس از داده‌های روایی برای اثبات آن پایه‌های عقلی سود جوید.

۱. عقلی و اعتباری

او در این شیوه - همان‌طور که وی تصریح دارد (همو: ۳۳، ۲۱۶، ۴۱۱) - از اندیشه‌های کلامی فراوان استفاده کرده است. شیخ طوسی بنابر دیدگاه پیشین خویش - که امامت امام عصر علیه السلام را مفروض دانسته - چنین استدلال آورده است: «اگر خبری هم بر تولد امام زمان علیه السلام اقامه نشود، ولادت ایشان با روش کلامی اثبات‌شده است.»

۲. نقلی و اخباری

در این بخش، به نقل روایات و گزارش‌های متعدد و گوناگون از گروه‌های مختلف فکری - که موفق به دیدار امام عصر شده‌اند - پرداخته است. این گروه‌ها را می‌توان به دو گروه شیعی و غیر شیعی تقسیم کرد.

شیخ طوسی از جمله عالمان معاصر خویش است که در اقدامی درخور توجه نامه‌های امام علیه السلام را نقل می‌کند که این امر خود سبب حفظ این میراث گران قدر شده است. کتاب وی به وکیلانی اشاره کرده که پیش از امام زمان علیه السلام می‌زیستند. این امر گویای آن است که مؤلف، جریان وکالت را از دوره امام صادق علیه السلام پذیرفته است (همو: ۶۰۱). شیخ طوسی در ادامه به روایاتی اشاره دارد که از رحلت امام عصر علیه السلام پیش از ظهور ایشان خبر می‌دهند. البته وی این

دسته از روایات را چنین تحلیل کرده که بر فرض پذیرش، این احادیث ناظر بر یاد و نام امام پیش از ظهور هستند (نک: ح ۴۰۳ - ۴۰۶). همچنین احادیث بعد از این روایات، وفات امام را به شدت مردود دانسته‌اند و تأکید می‌کنند که دیگران چنین گمانی دارند، حال آن که چنین نیست (نک: ح ۴۰۷ - ۴۰۹). باید توجه داشت که برخی از این روایات، سندی صحیح ندارد؛ از جمله در سند روایت ۴۰۳، عبدالله بن قاسم حضرمی وجود دارد که به دروغ‌گویی و غلو متهم است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۶، رقم ۵۹۴).

وی روایاتی نقل می‌کند که از وقوع دو غیبت - که یکی از دیگری طولانی‌تر است - خبر می‌دهد. نکته درخور توجه این روایات، آن است که ناقل آن ابوسهل نوبختی بوده، در صورتی که وی در دوره غیبت صغرا وفات کرده و غیبت کبرا را درک نکرده است (نک: ح ۳۱۹). شیخ طوسی در ابتکاری دیگر، به بررسی جریان وکالت در دوره غیبت صغرا و خصوصاً با حجمی بیشتر به زندگی وکلای اربعه پرداخته است که این امر، اطلاعاتی نسبتاً جامع در اختیار ما می‌گذارد.

الغیبه به دورنمای محققانه‌ای از جریان‌های سیاسی - اجتماعی دوره غیبت صغرا اشاره داشته و به هر دو زاویه عقل و نقل توجهی وافر می‌کند؛ به ویژه به چگونگی تولد امام دوازدهم علیه السلام توجهی ویژه دارد و آن را به صورت روش مند بررسی کرده است (همو: ۶۰۸). به هر تقدیر، این اثر به رغم ارزش مند بودن، دارای کاستی‌هایی نیز هست که به برخی از آن موارد اشاره خواهد شد. شیخ طوسی کتاب خود را به صورت نقل از افراد، با سلسله سند تدوین کرده، اما در برخی موارد به سند اشاره نداشته و با ذکر این که اصحاب چنین روایت کردند، نام این دسته از اصحاب و منبع یا منابع خویش را از قلم انداخته است؛ برای نمونه روایت کهن سالان عرب از این کاستی رنج می‌برد و همه روایات آن به صورت مرسل وارد شده است (نک: ح ۲۵۵).

وی به روایت سلیم بن قیس درباره نام‌های امامان شیعی علیهم السلام اشاره داشته (همو: ۲۸۶، ح ۱۰۱)، اما بدون نقد از این گونه روایات تاریخی گذر کرده است؛ چه بسا می‌تواند نشان از باور شیخ به این دسته از اخبار واحد باشد، خصوصاً آن جایی که وی روایات ذکر نام امامان شیعه را از غیر سلیم نیز نقل می‌کند (همو: ۳۰۰، ۱۱۱). همچنین برخی از روایات وی به صورت نقل داستانی وارد شده‌اند که می‌تواند محصول پردازش ناقلان این دسته از روایات باشد (نک: همو: ۲۲۴).

شیخ طوسی به رغم آن که در روایت تولد امام عصر علیه السلام به داستان چگونگی ازدواج نرجس علیها السلام با امام عسکری علیه السلام پرداخته، در عین حال در بخش‌هایی دیگر از کتاب، داستان مادر امام علیه السلام و چگونگی تولد حضرت را به نقل‌هایی گوناگونی آورده و مشخص نکرده که کدام یک از آن روایات مورد پذیرش او هستند. برای مثال، در روایت ۲۰۸ احمد بن بلال الکاتب - که گویا از دشمنان اهل بیت بوده - ناقل اصلی داستان است. وی تصریح دارد تولد امام علیه السلام طبق نقلی که همسایه پیرزن وی داشته است، به کلی با آن چه حکیمه نقل کرده، تفاوت‌های اساسی دارد (همو: ۴۲۸).

روایت ۲۱۰ نیز گرچه به تولد امام توسط نرجس علیها السلام اشاره دارد، اما داستان مشهور ازدواج امام عسکری علیه السلام با نرجس علیها السلام در این نقل به طور ضمنی رد شده است. شیخ طوسی نیز بدون پذیرش یا رد، هر دو داستان را نقل می‌کند. شیخ طوسی غیر از کیسانیه، به سرانجام دیگر فرقه‌های شیعی که باور به مصداق مهدی جدای از فرزند امام عسکری علیه السلام دارند، اشاره نکرده است. همچنین این کتاب به جریان‌های غالبانه دوره غیبت صغرا اشاره‌ای اندک دارد و در این میان، تنها به شلمغانی و باورهای وی و اثرگذاری او بر بنی بسطام پرداخته است (همو: ۶۹۸، ح ۳۷۸).

او با نقل بیانی از امام رضا علیه السلام مبنی بر آن که فرزند سوم ایشان روزی غیبت خواهد کرد، به هر دلیلی توجه نداشته که امام عصر علیه السلام فرزند چهارم امام هشتم است. در بررسی این روایت، می‌توان گفت که در سلسله سند آن احمد بن هلال عبرتایی وجود دارد. وی از جمله وکلای امام عسکری علیه السلام در دوره حضور است، اما پس از شهادت امام از پذیرش وکیل دوم سر باز زد (همو: ۶۹۱، ح ۳۷۴).

این دسته از انگاره‌ها نمی‌تواند از ارزش ماندگار کتاب *الغیبه* بکاهد. باید توجه داشت که شیخ در زمانه‌ای به نگارش چنین اثری همت گماشت که تحت شدیدترین فشارهای سیاسی زمان خویش بوده و آن، حمله سلجوقیان سنی به آل بویه شیعی بوده است (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۲۳) که این امر سبب حملات زیادی به شیعیان، از جمله منزل شیخ طوسی شده است. وی در چنین فضایی به بررسی عوامل غیبت و شبهات پیرامون آن پرداخت.

نتیجه

پس از گذار از دوره غیبت صغرا و ورود به زمانه‌ای که از آن به غیبت کبرا تعبیر می‌کنند،

عالم‌ان امامی در اقدامی پرشتاب، دست به تألیفات گسترده در حوزه‌های مختلف فکری زدند. بررسی محتوایی این دسته از آثار، عمدتاً حاکی از آن است که بر اساس گرایش‌های خاص جغرافیایی تدوین شده‌اند، به طوری که می‌توان شهر قم را به عنوان یکی از داعیه‌دارن مکتب امامی، دارای تمایلات بیشتری به حوزه نقل دانست. این مکتب با عالمانی برجسته همچون ابن بابویه، ابن ولید و شیخ صدوق، آشکارا تمایلات خویش را به نقل نشان می‌دهد. در مقابل، اندیشمندان امامی بغداد را باید با توجه بیشتری به دیدگاه عقلی و کلامی در نظر گرفت.

به نظر می‌رسد شیخ طوسی با درک هر دو مدرسه قم و بغداد، سعی در جمع بین آن دو مدرسه و ایجاد مکتب واحدی که پایه‌های آن بر اساس مبانی عقلی و نقلی استوار بود داشت. بدین منظور، وی با پذیرش مرام نقل‌گرایی و ورود به حوزه حدیث، دست به تدوین آثاری در این باره زد که دو اثر وی - *استبصار و تهذیب* - از جمله چهار کتاب اصلی روایی شیعه امامی به شمار می‌روند. بلنداندیشی شیخ طوسی وی را محدود به نقلیات نمی‌کرد، به طوری که در حوزه‌های رجالی، کلامی، از وی آثاری برجسته بر جای مانده است. کتاب *الغیبه* نیز بر همین اساس تدوین شد. وی در این کتاب کوشید از هر دو شیوه عقلی و نقلی استفاده کند و به گونه‌ای سبب‌ساز ورود کلام در حوزه نقلیات شد. نکته مهم آن که آثار بعدی نگاشته شده در این باره متأثر از روش ابداعی وی بوده است.

با این توضیحات، داده‌های آماری *الغیبه* را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: از حدود پانصد روایت و گزارش وارده در این اثر، در حدود چهل درصد در فصل اول به طور عمده به بحث‌های کلامی همچون وجوب امامت در جامعه، عصمت امام، رد فرقه‌های شیعی غیرامامی یا کهنسالانی از عرب و امثال آن اختصاص یافته است.

همچنین حدود ۳۷ درصد از مجموع روایات و گزارش‌های آن، سفر، تولد امام دوازدهم علیه السلام و مباحثی نقلی از این دست را دربر می‌گیرد و مابقی روایات و گزارش‌ها در مباحثی دیگر همچون معجزات و علل عدم ظهور و نشانه‌های آن است.

منابع

- اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، *كشف الغمة فی معرفة الائمة* علیہ السلام، قم، نشر ادب الحوزة و کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- اشعری، ابوالقاسم سعد بن ابی خلف، *المقالات والفرق*، ترجمه: محمد جواد مشکور، تهران، بی نا، ۱۹۶۳ م.
- امین، سید محسن، *اعیان الشيعة*، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
- بروجردی، سید محمد حسین، *جامع احادیث الشيعة*، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- تهرانی، محمد محسن (آقایزرگ)، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- حسین، جاسم، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه: سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- دفتری، فرهاد، *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران، نشر فروزان، ۱۳۷۵ ش.
- راوندی، ابوالحسن سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، تحقیق: مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه المهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
- رستمی، حیدر علی، *بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبة شیخ طوسی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه: منصور پهلوان، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ ششم، ۱۳۸۸ ش.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ مجید احمدی کچایی، «بررسی و کلاء در منابع امامی دوره غیبت صغرا»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۲۴، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۱ ش.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۸ ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، تصحیح: سید حسن موسوی خراسان، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۸۲ ق.
- _____، *رجال الطوسی*، نجف، مکتبة الحیدریه، ۱۳۸۰ ق.
- _____، *الفهرست*، قم، مؤسسه نشر الفقاهة، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

- _____، *کتاب الغیبة*، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۲ق.
- _____، *کتاب الغیبة*، ترجمه: مجتبیٰ عزیزی، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
- کشی، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز، *اختیار معرفة الرجال*، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، بی نا، ۱۳۴۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار*، تهران، بی تا، ۱۳۷۶ق.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، *رجال النجاشی (فهرست اسماء مصنفی الشیعة)*، چاپ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر، *الغیبة*، ترجمه: محمد فربودی، قم، انتشارات انتخاب اول، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
- نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعة*، ترجمه و تعلیقات: محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
- هلالی، سلیم بن قیس، *اسرار آل محمد علیهم السلام*، قم، بی جا، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۰ق.

